

«جدایی نادر از سیمین»

تصویری صادقانه از اوضاع جامعه امروزی ایران

ح. فرزانه

در سال های اخیر که سینمای ایران بکلی به دست فراموشی سپرده شده بود، فیلم «جدائی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی، نام سینمای ایران را باز بر سر زبان ها انداخته است. با این همه، باید ساده دلی را کنار گذاشت و روند حوادث سیاسی روز را در دامن زدن به این هیاهوی بسیار بی تأثیر نپنداشت!

گرفت و بعد هم به راحتی آن را روانه جشنواره ها کرد. شگفت اینکه حتی دولت ایران با خرسندی این فیلم را اخیراً، و رسماً، برای در نظر گرفتن بهترین فیلم خارجی سال به آکادمی علوم و هنرهای سینما تحویل داده است، در حالی که تعدادی از سینماگران، عکاسان، روزنامه نگاران، و حتی هنرپیشه ها را در ایران نه فقط از کار ممنوع کرده اند بلکه آنها را بی هیچ دلیل منطقی دستگیر کرده و به زندان انداخته اند. این قضیه، این جماعت را بیشتر از فیلم متحیر کرده است. اما فرصت طلبی کمپانی های پخش کننده

«جدائی نادر از سیمین» اولین فیلمی است از فرهادی که توسط یک کمپانی آمریکایی خریداری شده و در آمریکا و اغلب کشورهای اروپایی به نمایش عمومی در آمده است. منتقدان خارجی که فیلم را دیده اند همه بر این باورند که چطور می توان با این همه سانسور و محدودیت هائی که در ایران حکمفرماست، چنین فیلمی، هرچند کنایه آمیز، درباره اوضاع و احوال سیاسی- اجتماعی- اقتصادی ایران، آن هم پس از جنبش سبز ساخت. مجوز نمایش آن را در ایران



است و بعد با ساختن چند فیلم کوتاه وارد عرصه فیلمسازی شده و سرانجام با ساختن فیلم «درباره‌الی» توانست توجه منتقدان و سینما دوستان را به خود جلب کند.

فرهادی در گفتگوی خود با خبرنگار لس آنجلس تایمز به مناسبت نمایش فیلم «جدائی» در جشنواره نیویورک درباره سانسور و محدودیت‌هایی که دولت در زمینه کارهای هنری، بویژه فیلمسازی اعمال می‌کند - برخلاف نظر کیارستمی که زمانی گفته است سانسور باعث خلاقیت فیلمسازان شده است - می‌گوید: «اشتباه نکنید. به علت سانسور نیست که من این فیلم را به این طرز ساخته‌ام. هیچ امتیازی در سانسور و محدودیت‌ها نیست. من با کسانی که می‌گویند سانسور خلاقیت بیشتری بوجود می‌آورد، مخالفم. فکر می‌کنم این قضیه یک شعار گمراه‌کننده است. من احتمالاً بدون چنین محدودیت‌هایی، تا با برخورداری از آنها، بیشتر می‌توانستم خلاق باشم.»

فرهادی در پاسخ به این پرسش که اگر فیلم جدائی را در جامعه‌ای آزاد می‌ساختید، چه تفاوتی با این فیلم داشت؟ چنین پاسخ می‌دهد: «صرفنظر از فضا و محدودیت‌ها، من باز از همین شیوه داستان‌گویی استفاده می‌کردم.

بقیه در صفحه ۶۸

با این حال، و صرفنظر از این جنگ‌های زرگری، فیلم فرهادی، فیلمی است با ارزش و قابل تأمل. خصوصاً که برخلاف اغلب فیلم‌های ایرانی متظاهر به طرح مسائل شبه روشنفکرانه، پُست مدرنیسم قلابی، و مبارزات فمینیستی، مسائل پیچیده‌ای را مطرح می‌کند که فیلمسازان پیش و پس از انقلاب به ندرت به آنها روی آورده‌اند. فیلم «جدائی» بر روی هم، تصویر صادقانه‌ای است از اوضاع و احوال جامعه امروزی ایران.

فرهادی، متأسفانه، نزد اغلب ایرانیان مقیم خارج، چهره‌چندان آشنائی نیست. او فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران است. در چند نمایشنامه و سریال تلویزیونی بازی کرده

فرهادی می‌گوید: من سینما را به صورت هنر مدرنی می‌بینم. هنری که در آن هنرمند از جایگاهی برتر بر تماشاگران خود نمی‌نگرد و دیدگاه خود را بر آنها تحمیل نمی‌کند.»

را که از چنین موقعیت‌ها و هیاهوها سود می‌جویند، نباید نادیده گرفت. اگر زمانی مشکل فیلمساز صرفاً ایجاد سرمایه برای ساختن فیلمش بود، امروزه، با قدرتمندتر شدن کمپانی‌های پخش‌کننده، مرحله دشوارتری بر روند فیلمسازی افزوده شده است به طوری که اغلب فیلمسازان ناگزیرند یا همه حقوق فیلم خود را بی‌چون و چرا به کمپانی‌های پخش‌کننده به بهای نازلی واگذار کنند یا مخارج هنگفتی را که این کمپانی‌ها برای بازاریابی و تبلیغات و هزینه‌های دیگری که می‌تراشند، متحمل شوند. به همین جهت، اغلب فیلمسازان ترجیح می‌دهند در مواردی که با مشکل پخش فیلم خود روبرو می‌شوند، آن را مستقیماً به صورت دی.وی.دی. در آورند و در اختیار تماشاگران قرار دهند. خوشبختانه، اوضاع و احوال سیاسی ایران و هیاهو و جنجال بسیاری که فیلم فرهادی با دریافت جایزه خرس طلائی در جشنواره برلین به وجود آورده است، راه را برای پخش فیلم خود هموار کرده و توجه کمپانی‌های پخش‌کننده را که فیلم‌های ایرانی را به بهای نازلی خریداری می‌کنند و با استفاده از چنین جنجال‌هایی سود کلانی به دست می‌آورند، جلب کرده است.



بقیه از صفحه ۴۷

جدایی نادر از سیمین

این نوع فیلم اجازه می دهد که تماشاگران خودشان را کشف کنند. من سینما را به صورت هنر مدرنی می بینم. هنری که در آن هنرمند از جایگاهی برتر بر تماشاگران خود نمی نگرد و دیدگاه خود را بر آنها تحمیل نمی کند.»

فرهادی، با این حال، در این گفتگو می پذیرد جامعه ای که در آن زندگی کرده است بر او تأثیر گذاشته است و فیلم، نقش مذهب، برخورد سنت و مدرنیت، بهره کشی حکومت از مردم، و مهمتر از همه، احساس فشار و دلسردی غیر طبیعی در زندگی روزمره مردم ایران را بطور کلی تری از آنچه که بظاهر به نظر می رسد، تصویر می کند: «فیلم می کوشد تصویر صادقانه ای از بخشی از، ولی نه همه جامعه ایران را ارائه دهد.»

فرهادی معتقد است: «علاوه بر برخورد شخصیت ها با یکدیگر، برخورد بزرگتر در فیلم، برخورد شخصیت ها با خودشان است. وقتی از برخورد با خود صحبت می کنیم درباره مسائل اخلاقی تا مسائل اجتماعی حرف می زنیم. فکر می کنم دنیای امروز بیش از هر چیز دیگری به طرح پرسش نیاز دارد تا پاسخ. من پاسخی برای تماشاگران ارائه نمی کنم چون ابدأ پاسخی ندارم. اگر پاسخی برای تماشاگران خود فراهم کنید،

فرهادی توانسته به زیر و بم و زوایای تاریک و تودرتوی جامعه ایران و بررسی مسائل و مشکلات آن نزدیکتر شود و درباره آن، واقع بینانه تر قضاوت کند.

فیلم در همان سالن نمایش پایان می گیرد. اما زمانی که پرسش هایی در فیلم مطرح می کنید، فیلم شما، در واقع، پس از تماشای آن آغاز می شود. در حقیقت، فیلم شما به حیات خود در فکر و دل تماشاگران ادامه می دهد. مهم این است که فکر کنیم و به تماشاگران فرصت فکر کردن بدهیم. ما در ایران، بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم که تماشاگر فکر کند.»

با توجه به سن و سال فرهادی، که سی و نه سال دارد، می توان چنین استنباط کرد که بخش اعظم شخصیت و جهان بینی فرهادی، برخلاف محسن مخملباف و مجید مجیدی، در دوران انقلاب شکل گرفته است. به همین جهت، شناخت او از جامعه اسلامی به مراتب دقیقتر، صادقانه تر و عمیقتر از آنهاست و توانسته است با پنجمین فیلم سینمایی خود به زیر و بم و زوایای تاریک و تودرتوی این جامعه و بررسی مسائل و مشکلات آن نزدیکتر شود و درباره آن، نه بر اساس تعصبات خشک و کورکورانه مذهبی، که واقع بینانه تر قضاوت کند.

با این حال، سینمای فرهادی مثل سینمای مجیدی، سینمایی داستانی است. با این تفاوت که مجیدی دنیای دوگانه و متضاد مادی و معنوی را در فیلم های خود بررسی می کند و راه رستگاری انسان را از مسائل و مشکلات جامعه با نگاهی شاعرانه، گاه انتزاعی و عارفانه جستجوی کند و مولانا وار بر این عقیده است که: «تن رها کن تا نخواهی پیرهن!» در حالی که فرهادی به این مشکلات با دید ملموس تر و واقع بینانه تری می نگرد و درگیر طرح مسائل روز است چرا که خودش از بطن چنین جامعه ای پدید آمده است. با این همه، هر دو از همان اصول و الگوی داستان گویی به سبک فیلم های کلاسیک هالیوود پیروی می کنند. بدین معنی که از نظم منطقی آن، ابتدا مقدمه چینی، بعد گره افکنی و متعاقب آن نقطه اوج و سپس گره گشائی و سرانجام، پایان، برخوردارند.

فیلمساز گاه این نظم و توالی را حفظ می کند و زمانی آن را بهم می زند. گرچه آرسن ولز با شاهکار خود «همشهری کین» به مبارزه علیه این قراردادها پرداخت و اغلب این اصول را بهم ریخت و مدرنیسم را وارد سینما کرد، با این حال، اغلب فیلم های هالیوود و اروپائی با دگرگونی اندکی همچنان از این اصول پیروی می کنند. فرهادی دو ژانر درام دادگاهی و ملودرام خانوادگی را زیرکانه در فیلم خود با هم در آمیخته است. اما برخلاف درام های دادگاهی که دادگاه مثل صحنه تئاتر محور وقوع حوادث و عامل شناخت شخصیت های داستان است،



روی پله ها، باعث سقط جنین راضیه و در افتادن نادر با شوهر راضیه و مراجع قانونی می شود. گرچه سیمین با پرداختن پول در پی جلب رضایت شوهر بیکار و بدهکار راضیه بر می آید ولی در جلسه ای که برای این کار با حضور میانجی گران تشکیل می شود، راضیه به علت اعتقادات مذهبی خود، در برابر درخواست نادر، حاضر به قسم خوردن به قرآن و گرفتن پول حرام نمی شود چون برایش قطعی نیست که بچه اش را بر اثر تصادف با اتوموبیل از دست داده یا به وسیله نادر که او را از آپارتمان بیرون کرده و روی پله ها انداخته است. جلسه بهم می خورد، پولی پرداخت نمی شود. اما حقیقت همچنان در حاله ای از ابهام قرار می گیرد. فرهادی، مثل کوراساوا در فیلم «راشومون»، خاطر نشان می کند که حقیقت نسبی است نه مطلق و می تواند از دید هر کس متفاوت باشد.

جدال نادر برای یافتن و اثبات حقیقت راه به جایی نمی برد و سرانجام، برای حل و فصل ماجرای خود، با سیمین و دخترش ترمه، به دادگاه مراجعه می کنند. پایان بندی باز فیلم، علاوه بر بازی ها، مونتاژ و فیلمبرداری قابل تحسین است. فیلم «جدائی» از نظر ساختاری چیز تازه ای ارائه نمی کند. ارزش و اعتبار آن در طرح و ترسیم صادقانه مسائل عمده و پیچیده و افشاگرانه ای است که هنوز زیر پوست جامعه اسلامی امروزی ایران جریان دارد.

ارزش و اعتبار فیلم در طرح و ترسیم صادقانه مسائل عمده و پیچیده و افشاگرانه ای است که هنوز زیر پوست جامعه اسلامی امروزی ایران جریان دارد.

مدرنیته، ایثارگری، مسئولیت، مهاجرت، نابرابری های میان زن و مرد، سیستم قضائی حاکم بر مردم و... را در رابطه با جامعه کنونی ایران مطرح می کند بی آنکه راه حلی برای آنها ارائه دهد. فرهادی، با این همه، به طرح این مسائل اکتفا نمی کند و مسائل بفرنجتر دیگری مثل مذهب، شکاف عمیق طبقاتی، معصومیت کودکان، بیکاری و فقر را هم بر آنها می افزاید. در پی جدائی سیمین از نادر، راضیه را به عنوان خدمتکار و پرستار پدر نادر وارد این ماجرا می کند و تعادل و آرامش این خانواده را بیشتر بهم می زند و به نقطه اوج می رساند.

از خلال حرف ها و اعمال راضیه در می یابیم او زنی حامله، و بسیار مذهبی است و از پرستاری پدر نادر که به او نامحرم است اکراه دارد و به همین جهت، شوهرش را به نادر معرفی می کند تا وظیفه او را به عهده گیرد. اما روز بعد، باز خودش سر کار می آید چون طلبکارها دست از سر شوهر بیکارش بر نمی دارند.

نزاع نادر با راضیه به علت اینکه پدرش را تنها گذاشته و خانه را ترک کرده است، و بیرون انداختن راضیه از آپارتمان خود، به

در فیلم فرهادی، دادگاه، صحنه آغازین فیلم، به قصد مقدمه چینی داستان و معرفی شخصیت ها بکار رفته است تا پی آمدهای ناشی از جدائی نادر از سیمین توجیه شود.

فیلم «جدائی» از سوی دیگر، ملودرامی است خانوادگی. محور حوادث، کانون آشنا و گرم خانواده است که برای تماشاگر، واقعی و دریافتی است و او را از نظر عاطفی، و نه منطقی، بیشتر تحت تاثیر قرار می دهد و با حوادث درگیر می کند چرا که این نوع داستان ها، در هر شرایطی، برای هر سن و سالی و هر زن و مردی جالب و جذاب است. معمولاً عاملی بیرونی یا درونی، نظم و تعادل خانواده را به هم می زند. افراد خانواده می کوشند راه حلی برای رفع این آشفتگی و بحران پیدا کنند و حوادث بعدی بر اثر چنین کوششی روی می دهد و ادامه می یابد تا نظم و تعادل اصلی باز برقرار شود.

فیلم با صحنه ساده و ثابت دادگاه که زوج جوانی مستقیماً به دوربین نگاه می کنند، آغاز می شود. آنها نه تنها قاضی، که تماشاگر را هم به قضاوت می طلبند.

تماشاگر از طریق این مقدمه چینی وارد ماجرای داستان می شود. از نزاع لفظی آنها در می یابد که عامل بحران، ویزای اقامت در یکی از کشورهای خارجی است.

زن می خواهد برای آینده دخترش وطن خود را ترک کند. مرد اما، با زن مخالف است چون نمی خواهد پدر بیمارش را رها کند.

فرهادی در این صحنه نسبتاً کوتاه، مسائل پیچیده و مهمی از قبیل جنسیت، سنت،

